

پاسخ به شبهات ناصر القفاری پیرامون طول عمر امام زمان (ع) در کتاب «أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية عرض ونقد

علی حسین یوسف وند^{۲۴}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱

چکیده

اعتقاد به مهدویت و وجود امام زمان (ع) در عصر حاضر، با وجود اینکه سال‌ها از حیات ایشان می‌گذرد، یکی از اعتقادات راسخ شیعه است که مبتنی بر آیات و روایات بوده و دلیل عقل نیز آن را نفی نکرده است. در این میان برخی از نویسندگان اهل سنت از جمله ناصر القفاری در برخی از تألیفات خود به انکار این قضیه پرداخته و طول عمر امام زمان (ع) را امری غیرممکن تلقی کرده است و استدلالات شیعه در این بحث را مردود دانسته است. هدف از نوشتار حاضر این است که شبهه‌ای که این نویسنده در کتاب خود «أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية عرض ونقد» بیان داشته را نقل و پاسخ آن را بر مبنای کتاب و سنت و استفاده از ادله متقن و منابع معتبر بیان کند. این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی توصیفی به بیان این شبهه و پاسخ آن می‌پردازد. نتیجه حاصل از نوشتار حاضر این است که طول عمر امام زمان (ع) از جهت عقلی امری ممکن است و تحقیقات علمی نیز همین امر را تأیید می‌کند و نمونه‌های قرآنی همچون حضرت نوح، خضر و عیسی (ع) مؤید این اعتقاد شیعه هستند؛ به علاوه، وجود امام معصوم (ع) در عصر حاضر دارای برکات فراوانی است که در روایات شیعه بدان اشاره شده است، لذا جایی برای ادعای بی‌فایده بودن امام عصر در زمان فعلی باقی نمی‌ماند.

کلید واژه: امام زمان، طول عمر، ناصر القفاری، شیعه.

پاسخ به شبهات ناصر القفاری پیرامون طول عمر امام زمان (ع) در کتاب «أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية عرض ونقد»

مقدمه

اعتقاد به مهدویت، اعتقاد به آینده‌ای روشن و افقی تابان در تاریخ بشریت است. شیعه اعتقاد به مهدی موعود مولود موجود را از اصول اعتقادی خود دانسته و حضور ایشان در عالم امکان را منشأ خیرات و برکات زیادی در عصر غیبت کبری می‌داند.

از اینکه نکته نباید غافل شد که در هر زمانی، پاسداری از اعتقادات و پاسخ به شبهات، از مهمترین وظایفی است که محققین علوم اسلامی بر ذمه دارند و بدون آن امنیت فرهنگی و اعتقادی جامعه دچار خدشه خواهد شد. در طول تاریخ، در بحث مهدویت نیز شبهات فراوانی مطرح شده است و علما در مقام پاسخ از آن بر آمده‌اند. یکی از مهمترین شبهات در بحث مهدویت، پاسخ به شبهه طول عمر امام زمان (ع) است تا تاکنون به انحاء مختلف بیان شده و مطالب فراوانی در این مورد در کتب کلامی دیده می‌شود.

در این مقاله عمده شبهاتی که نویسنده، ناصر القفاری در کتاب معروف خود «أصول مذهب الشیعه الإمامیه الاثنی عشریه عرض و نقد» مطرح کرده را پاسخ داده و ادله عقلی، نقلی و علمی کافی برای رد این شبهات را تبیین خواهیم کرد.

مجموع آنچه در این مقاله می‌آید، گامی مؤثر جهت آشنایی با اعتقاد امامیه در زمینه طول عمر امام زمان (ع) و ادله مربوط به این مسئله خواهد بود. مقاله پیشرو با بهره‌گیری از کتب معتبر تفسیر، حدیث و کلام و به روش کتابخانه‌ای تألیف شده است.

نوشتار حاضر گام مؤثری در روشن ساختن اعتقاد شیعه نسبت به طول عمر امام زمان (ع) است و حاصل آن این است که این اعتقاد، علاوه بر مبتنی بودن بر کتاب و سنت، مؤیدات علمی و عقلی نیز دارد.

مفهوم شناسی

در این بخش جهت آشنایی با برخی مفاهیم کلیدی بحث، نکاتی را بیان کرده سپس به موضوع اصلی این نوشتار می‌پردازیم.

کتاب «أصول مذهب الشیعه الإمامیه الاثنی عشریه عرض و نقد»: این کتاب نوشته ناصر القفاری نویسنده معاصر وهابی و ضدشیعه است که در بیانات خود مطالب فراوانی علیه شیعه بیان کرده است. ایشان افکار بسیار تندی نسبت به شیعه دارد تا حدی که شیعیان را کافر دانسته و مهدور الدم می‌داند. نویسنده در کتاب مذکور درصدد بیان معنای شیعه، تاریخچه پیدایش شیعه، افکار اعتقادی شیعه بوده که در این میان فکر مهدوی شیعه را بیان کرده و درصدد زیر سؤال بردن عقیده مهدویت است.

ایشان گرچه در مقدمه کتاب خود اتحاد بین مسلمین را ضروری می داند، اما از آنجائی که اعتقاد دارد شیعه خارج از دین است و بر خلاف قرآن و اسلام عمل می کند، لذا هجمه به شیعه را تجویز کرده بلکه از وظایف خود به عنوان یک مسلمان تلقی می کند. ایشان با استناد به آیات قرآن و اصول اسلام، شیعه را خارج از دین دانسته و هرگونه اقدام علیه آنها را تقویت اسلام و عمل به دستورات قرآن می داند، از این رو در کتاب خود از هرگونه اتهام به شیعه خودداری نکرده و نهایت تلاش خود را برای تخریب وجهه شیعه انجام داده است.

با مطالعه کتاب مذکور روشن می گردد که نویسنده وهابی تنها هدفی که از تألیف این کتاب دنبال می کند تخریب چهره شیعه و کافر دانستن آنهاست، چیزی که گرچه ظاهر علمی دارد، اما بدون شک پشتوانه های سیاسی سبب اصلی آن بوده است.

مهمترین اثر نویسنده همان کتاب مذکور است که تاکنون برخی از علمای شیعه مطالبی را در پاسخ به اتهامات این کتاب تألیف کرده اند که از جمله آن می توان به کتاب «اصول مذهب الشیعه» اثر سید محمد حسین قزوینی اشاره کرد.

تبیین شبهه ناصر القفاری پیرامون طول عمر امام زمان (ع)

در این بخش اصل شبهه ای را که نویسنده در کتاب «اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد» بیان کرده است را توضیح داده و در بخش آینده پاسخ شبهه را تبیین خواهیم کرد. نویسنده در بخشی از این کتاب آورده است:

«همانا از جمله اموری که ادعای شیعه مبنی بر وجود امام را تکذیب می کند بعید بودن زنده بودن امام در طول این مدت است که الان از هزار و صدسال گذشته است. همانا عمر کردن یک مسلمان در این مدت همانطور که ابن تیمیه گفته است در امت محمد دروغ است به طور عادی، پس کسی در امت اسلام نیست که ۱۲۰ سال زندگی کرده باشد، چه برسد به این مقدار عمر» (القفاری، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۸۶۶).

نویسنده در این عبارت اولاً طول بقاء امام زمان (علیه السلام) را امری بعید شمرده و این اعتقاد را دلیل بر تکذیب شیعه امامیه قرار داده است، ثانیاً برای ادعای خود دلیل اقامه کرده است، می گوید که زنده بودن یک مسلمان در این مدت عادتاً ممکن نیست، زیرا در امت پیامبر اسلام هیچ کسی به این مقدار عمر نکرده است.

نویسنده در بخش دیگری از کلام خود، مقایسه طول عمر امام زمان (علیه السلام) با سائر معمرین از جمله حضرت نوح و عیسی (ع) را رد کرده و می نویسد:

«همچنین می‌گویند زنده ماندن مهدی مانند زنده ماندن عیسی و خضر و الیاس است حتی می‌گویند مثل ابلیس است... زیرا نوح نیز در میان قوم خود ۹۵۰ سال زندگی کرد آنها را به راه خدا دعوت کرد، مانند امام شیعه در سرداب یا محل خفای خود مخفی نبود تا مکان او مخفی باشد... همچنین عیسی نیز رسالات خود را رساند و حجت را اقامه کرده و امانت را ادا کرده قبل از ایمکه به آسمان برود، به خلاف امام منتظر شیعه که از اول زندگی خود شیعه را ترک کرده است و شیعه در مورد او اختلاف دارد» (القفاری، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد، ۱۴۱۴ق: ص ۸۶۹-۸۶۶).

در این بخش نویسنده مقایسه عمر امام زمان (علیه السلام) با سائر انبیاء الهی و معمرین را زیر سؤال می‌برد، به ادعای اینکه اولاً افرادی چون حضرت نوح و عیسی و وظیفه و رسالت خود را در زمان حیات انجام داده اند و با مردم ارتباط داشتند، ولی امام زمانی که شیعه مدعی حیات اوست، ارتباطی با مردم ندارد و در غیبت به سر می‌برد، لذا قیاس او با حضرت نوح و عیسی مع الفارق است.

ثانیاً می‌گوید که با سائر معمرین نیز نمی‌توان ایشان را قیاس کرد، زیرا عمر بقیه معمرین خیلی کمتر از عمر امام زمانی است که شیعه اعتقاد به او دارد. این خلاصه عبارت ایشان در متن فوق بود.

سپس نویسنده در قسمت دیگری از کلام خود عبارات علمای شیعه مبنی بر امکان خلود یا طول بقاء در دنیا را ذکر کرده و در جواب می‌گوید:

«این چیزی است که شیعه می‌گوید و از کفار برخی مطالب را نقل می‌کند، ولی خدا در قرآن می‌گوید که ما برای بشری قبل از رسول خدا خلود را قرار نداده ایم، و می‌گوید همه انسانها خواهند مرد، و می‌گوید ما مرگ را برای مردم قرار دادیم، و خدای سبحان مردم را بهتر می‌شناسد که این مطالب را گفته است پس نباید به قول این کافرها که این مطالب را می‌گویند اعتنا کرد» (همان، ج ۲، ص ۸۷۰).

مراد نویسنده این است که نظریات علمی که خلود در دنیا را ممکن می‌داند، تماماً از دانشمندان غربی غیر مسلمان نقل شده است و این جور نقلها مخالف قرآن کریم است، زیرا قرآن کریم تصریح می‌کند که همه انسانها خواهند مرد و کسی در دنیا جاودانه نخواهد بود.

تا اینجا عمده اشکالات نویسنده کتاب مطرح شد، ما در بخش آینده ابتدا ادله شیعه امامیه مبنی بر طول بقاء امام زمان (علیه السلام) را ذکر کرده و در ضمن آن، به نقدهایی که القفاری در عبارات فوق متعرض آن شده بود پاسخ خواهیم داد.

پاسخ به شبهه ناصر القفاری پیرامون طول عمر امام زمان (ع)

در این بخش ادله مختلفی که برای امکان طول عمر امام زمان (علیه السلام) بیان شده است را ذکر کرده و تبیین می کنیم.

بررسی امکان عقلی

منظور از امکان عقلی این است که طول عمر امام زمان (علیه السلام) یا هر فردی از افراد انسان مستلزم محالات نیست و عقل آن را ممکن می داند، زیرا در مفهوم بقاء یا خلود هیچ گونه تناقضی وجود ندارد و از طرفی در مفهوم حیات نیز قیدی وجود ندارد که آن را مقید به زمان خاصی کرده باشد؛ لذا ممکن است انسانی به خاطر یکی سری از مصالح و یا به خاطر وجود شرایط طبیعی مناسب، عمر طولانی داشته باشد و این مخالفتی با اصول عقلی ندارد، به تعبیر ابن سینا: «كُلُّ مَا قَرَعَ سَمْعَكَ مِنَ الْعَجَائِبِ فَذَرَهُ فِي بُقْعَةِ الْأَمْكَانِ مَا لَمْ يَدُدْكَ عَنْهُ قَائِمُ الْبُرْهَانِ»؛ اگر چیز عجیبی شنیدی، مادامی که دلیلی بر امکان یا عدم امکانش نداری رد نکن، بگو ممکن است باشد (صدر، جستجو پیرامون مهدی (عج)، ۱۳۸۱: ص ۱۸-۱۷). به علاوه، قدرت خدای متعال مطلق است و توان انجام هر کاری را دارد، مادامی که یک چیز عقلاً محال نباشد خدای متعال می تواند طبق اراده مطلق خود آن را محقق کند، گرچه تمام افعال الهی مقرون به مصالح است.

نکته دیگر این است که به تعبیر حکما: «ادلّ دلیل علی امکان شیء وقوعه»؛ بهترین دلیل برای اینکه طول عمر محال نیست، وقوع این قضیه در طول تاریخ است. با مراجعه به کتب تاریخ، به نقلهای مختلفی که در حد تواتر است برخورد می کنیم که افراد زیادی در تاریخ را نامبرده اند که عمر چند صد ساله داشته اند؛ شیخ طوسی در کتاب «الغیبه»، شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» و همچنین مرحوم مجلسی در «بحارالانوار» نام بسیاری از این افراد را از میان متون تاریخی ذکر کرده اند که از مشهورترین آنها می توان:

حضرت ابراهیم با عمر ۲۰۰ ساله، لقمان بن عاد ۵۰۰ ساله، حضرت آدم با عمر ۹۰۰ ساله را ذکر کرد (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۲۲۵).

بررسی ادله نقلی

در این بخش به ذکر آیات و روایاتی که در امکان طول عمر را ثابت می کند می پردازیم و در ضمن آن مطالبی که القفاری در بیانات خود مطرح کرده بود را نیز پاسخ می دهیم.

قرآن کریم در مورد حضرت نوح (علیه السلام) می فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ»؛ و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ و او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد؛ اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که ظالم بودند (عنکبوت، ۱۴).

همچنین در مورد ابلیس، قرآن تصریح دارد که تا روز قیامت مهلت داده شده و زنده خواهد بود:
«قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَضِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ گفت: تو از مهلت یافتگانی، تا زمانی معین و معلوم (ص ۸۱-۸۰).

و در مورد حضرت عیسی (علیه السلام) نیز می‌فرماید که او به آسمان برده شده است (نساء، ۱۵۸)، لذا هنوز زنده است، با وجود این ادله از قرآن کریم، جایی برای انکار طول عمر امام عصر (علیه السلام) باقی نمی‌ماند.

فخر رازی از مفسرین اهل سنت بعد از بیان آیه ۱۵۸ سوره نساء می‌گوید: خدای متعال در این آیه فرموده است که بالا بردن عیسی به آسمان اگرچه از نظر قدرت بشری ممکن نیست، ولی از نظر قدرت و حکمت الهی ممکن است، نظیر به آسمان بردن پیامبر در جریان معراج که به اتفاق شیعه و اهل سنت اتفاق افتاده است (رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۱، ۲۶۳).

همانطور که فخر رازی می‌گوید، به آسمان بردن عیسی (علیه السلام) فوق قدرت بشر است ولی طبق قدرت و حکمت الهی محقق شده است، همین بیان در مورد بقاء عمر امام زمان (علیه السلام) نیز جاری می‌شود، شیعه اعتقاد دارد که عمر بیش از هزار سال گرچه در حالت عادی اتفاق نمی‌افتد، اما طبق قدرت و حکمت الهی امکان دارد و اکنون محقق شده است.

اشکال

چنانکه در بخش سابق نقل شد، القفاری در این قسمت اشکالی را مطرح کرده است، می‌گوید قیاس طول عمر حضرت نوح و عیسی (علیهما السلام) یا عمر ابلیس ملعون به امام زمان (علیه السلام) قیاس مع الفارق است، زیرا ایشان در مدت عمر خود مشغول انجام وظایف خود بوده‌اند، ابلیس نیز در مدت عمر خود مشغول فعالیت و گمراه کردن انسانهاست، در حالیکه امام زمان شیعیان غائب از نظر هاست و تصرف و فعالیت در عالم ندارد، از این جهت استدلال به آیات فوق را مردود می‌داند (القفاری، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۸۶۹).

پاسخ

طبق روایات شیعه امام زمان (علیه السلام) نیز در دوران غیبت در عالم امکان تصرف دارند، در میان مردم رفت و آمد می‌کنند، از شیعیان دستگیری می‌کنند، حاجات شرعی آنها را شنیده و رسیدگی می‌کنند و همچون خورشید پشت ابر مردم از آثار و برکات وجود حضرت بهره مند می‌شوند، پس همانطور که انبیاء الهی همچون نوح، خضر، عیسی (علیهم السلام) در مدت عمر خود مشغول تبلیغ دین و انجام وظیفه بودند، وجود مبارک امام

زمان (علیه السلام) نیز طبق مصالح به شکل مخفیانه وظایف خاصی که در دوران غیبت بر عهده ایشان است را انجام داده و زمین را خالی از حجت نمی گذارند. در این بخش نمونه ای از آثار و برکات وجود حضرت در زمان غیبت را بیان می کنیم:

امام زمان (علیه السلام) در توقیع شریف خود به عثمان بن محمد می نویسند:

« اما چگونگی بهره مردم از من، مانند بهره بردن از خورشید پشت ابر است، من امان اهل زمین هشتم همانطور که ستارگان امان اهل آسمان هستند» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۹۲).

امام علی (علیه السلام) در روایتی پس از ذکر نام اهل بیت (علیهم السلام) و فرزندان بزرگوار خود، در وصف ایشان می فرماید:

« خدای متعال به خاطر وجود ایشان زمین را آباد می کند، بندگان خود را روزی می دهد، باران از آسمان نازل می کند» (محمدری شهری، دانشنامه امام مهدی (عج)، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۲۱۹).

در این مورد روایات زیادی وجود دارد که از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است و در مجموع برکات فراوانی را برای وجود امام زمان (علیه السلام) در زمان غیبت ذکر کرده اند، برای تحقیق بیشتر خواننده می تواند به مجموعه دانشنامه امام مهدی (علیه السلام) مراجعه کند، ضمن اینکه این مطلب از قرآن کریم نیز قابل اثبات است، خدای متعال در قرآن کریم رسول خدا را سبب دفع عذاب از مردم دانسته و می فرماید:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»؛ ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند (الانفال، ۳۳).

طبق آیه فوق، وجود رسول خدا در میان مردم سبب رفع عذاب است، شیعه همین اعتقاد را در مورد امام زمان نیز دارد، وجود حضرت موجب رفع عذاب و امنیت برای مردم است.

علامه مجلسی (ره) در کتاب شریف «بحار الانوار» وسائر محدثین در کتب متعدد، حکایات و نقلهای مختلفی را نقل کرده اند که از مجموع آنها استفاده می شود که در دوران غیبت نیز بسیاری از بزرگان و صلحا خدمت امام زمان می رسند و از وجود نورانی حضرت بهره مند می شوند (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ص ۱۱۹).

در این مورد نیز می توانیم از تأییدات قرآنی بهره بگیریم. خدای متعال در قرآن کریم داستان خضر و موسی (علیهما السلام) را نقل کرده است، در نقل این جریان خدای متعال می فرماید:

«فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»؛ بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم (کهف، ۶۵). طبق نقل قرآن کریم جناب خضر نبی با موسی (ع) برخورد کرد و او را تعلیم داد و موسی (ع) که پیامبر امت خود بود از محضر او بهره گرفت، بدون اینکه حضرت خضر نبی را از قبل شناخته باشد، حکایت امام زمان (ع) نیز در دوران غیبت به همین شکل است، در میان مردم تصرف می‌کند، مردم را هدایت و ارشاد می‌کند، بدون اینکه عموم مردم او را شناخته باشند.

بنابراین همانطور که حضرت عیسی و نوح (علیهما السلام) در مدت عمر طولانی خود مشغول تبلیغ دین و انجام وظیفه بودند، امام زمان (ع) نیز در مدت حیات خود از مردم غائب است اما این غیبت به معنای عدم ارتباط با مردم نیست، لذا اشکالی که القفاری در مقایسه طول عمر حضرت نوح و عیسی (علیهما السلام) با عمر شریف امام زمان (ع) مطرح کرده است، وارد نیست.

بررسی ادله علمی

در بخش‌های سابق در مورد ادله عقلی و نقلی که پیرامون امکان طول عمر امام زمان (ع) مورد استدلال بود ذکر شد. در این بخش به سراغ علوم تجربی رفته و اثبات می‌کنیم که طبق گفته علما و متخصصین فن، بقاء عمر به مدت صدها سال از جهت علمی هیچ مانعی ندارد، لذا استبعاد امثال القفاری در این بحث خلاف مطلبی است که متخصصین در علوم تجربی تحقیق کرده‌اند.

به عنوان نمونه دکتر «الکسیس کارل» عضو آزمایشگاه روکفلر در نیویورک توانست جزئی از بدن حیوان را سالها بیش از آنچه خود آن حیوان به حسب عادت زیست دارد، زنده نگاه دارد، او همین آزمایش را در مورد قطعه‌ای از جنین مرغ خانگی انجام داد و بیش از هشت سال زنده ماند و همچنین همین آزمایش را روی قطعاتی از بدن انسان و عضلات و قلب و پوست و کلیه، آزمایش کردند معلوم شد مادامی که غذای لازم به آنها برسد زنده می‌مانند و به نمو خود ادامه می‌دهند (امینی، دادگستر جهان، ۱۳۸۰: ص ۱۸۸).

برنارد شو در این مورد می‌گوید: از اصول انسانی ثابت نزد علمای بیولوژیک آن است که عمر انسان ممکن نیست برایش حد ثابتی تعریف کرد (رضوانی، موعودشناسی، ۱۳۸۸: ص ۵۱۰).

پروفسور اتینگر در این مورد می‌گوید: نسل جدید همانطور که توانسته به فضا سفر کند، به زودی به این نتیجه خواهد رسید که عمر بشر نیز قابل خلود است (همان).

وایزمن دانشمند معروف آلمانی می‌گوید: «هیچ تلازمی بین مرگ و قوانین طبیعی نیست؛ زیرا ما در عالم طبیعت، عمری می‌بینیم که بین یک لحظه تا خلود علی‌الدوام پایین و بالا می‌رود...».

فلو کر فیزیکیدان معروف می گوید: «حدّ طبیعی عمر انسان ۶۰۰ سال است».

دکتر کیلور دهاوز آمریکایی می گوید: «علم طبّ می تواند قیدها و حدودی را که مانع از طول عمر انسان است با کمک دانش تغذیه از بین ببرد. ما امروز امیدواریم که برخلاف عمر پدران و اجدادمان به چنین طول عمری دست یابیم» (همان).

از مجموع تحقیقاتی که در علوم تجربی و ژنتیک در این مورد صورت گرفته است چند نکته به دست می آید:

اولاً؛ اجزای سلولی جسم زنده می مانند مگر آنکه کمی غذا یا دخول بعضی از میکروبها سبب مرگ آنها بشود.

ثانیاً؛ این اجزاء علاوه بر آنکه زنده می مانند، رشو و نمو دارند.

ثالثاً؛ نمو و تولید مثل آنها با غذای آنها ارتباط دارد.

رابعاً؛ مرور زمان هیچ تأثیری در پیری و ضعف آنها ندارد و کوچک ترین اثر پیری در آنها ظاهر نمی شود بلکه نمو و تولید مثل آنها در هر سال مثل سالهای پیش است و ظواهر کار نشان می داد که همچنان زنده خواهند ماند مادامی که تحت مراقبت آزمایش کنندگان، غذای کافی به آنها برسد، پس پیری سبب نیست بلکه نتیجه است (صافی، نوید و امان، ۱۳۸۶: ص ۱۹۳).

در این مورد بسیاری از محققین در بحث مهدویت تحقیقات گسترده ای در مورد اثبات طول عمر امام زمان (ع) با بهره گیری از علوم روز و نظریات علمای بیولوژیک انجام داده اند که چند مورد را اشاره می کنیم:

آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب «نوید و امان»

آیت الله ابراهیم امینی در کتاب «داد گستر جهان»

محقق ارجمند آقای علی اصغر رضوانی در کتاب «موعود شناسی و پاسخ به شبهات»

از آنجایی که نقل مطالب علمی موجب گستردگی مقاله حاضر است، از ذکر باقی مطالب در این مورد صرف نظر کرده و به نقد کلام ناصر القفاری خواهیم پرداخت.

اشکال و جواب

نویسنده، جناب ناصر القفاری دست به اجتهاد مقابل علم روز زده و تحقیقات علمی را انکار کرده و می گوید تمام آنچه محققین شیعه در این مورد از تحقیقات علمی ذکر می کنند، نقل کفار است و اعتباری ندارد، این نقلها مقابل آیاتی از قرآن است که مرگ را برای همه مردم حتی رسول خدا (ص) ثابت دانسته است (القفاری،

اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۸۷۰) و امکان خلود از نظر قرآن منتفی است.

ناصر القفاری در این مورد می‌گوید:

« این چیزی است که شیعه می‌گوید و از کفار برخی مطالب را نقل می‌کند، ولی خدا در قرآن می‌گوید که ما برای بشری قبل از رسول خدا خلود را قرار نداده ایم، و می‌گوید همه انسانها خواهند مرد، و می‌گوید ما مرگ را برای مردم قرار دادیم، و خدای سبحان مردم را بهتر می‌شناسد که این مطالب را گفته است پس نباید به قول این کافرها که این مطالب را می‌گویند اعتنا کرد» (القفاری، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۸۷۰).

پاسخ این است که بر هر انسان عاقلی پوشیده نیست که آیات قرآن و کلمات متخصصین علوم تجربی با هم تنافی ندارد، زیرا نظریات علمای علوم تجربی ناظر به امکان عقلی است، یعنی از نظر عقلی محال نیست که با فراهم شدن شرایط، انسانی هزاران سال عمر کند یا حتی عمر جاودانه داشته باشد، اما کلام خدای متعال ناظر به امکان عادی است، یعنی عادتاً این امر محقق نمی‌شود زیرا بیش از ۹۰ درصد مردم، حداقل در میان مسلمانان، عمر کمتر از ۲۰۰ سال دارند، لذا تحقیقات علوم تجربی به هیچ وجه با بیان خدای سبحان منافاتی ندارد.

این نکته هم قابل توجه است که از نظر دین مبین اسلام، علم و دانش ارزش دارد، هر آنچه مبتنی بر عقل و برهان باشد از نظر اسلام مورد تأیید است حتی اگر تحقیق یک دانشمند کافر باشد، مادامیکه با دستورات اسلام در تضاد نباشد و مبتنی بر علم و تجربه باشد قابل قبول است، از اینرو خدای متعال در قرآن کریم حتی کفار را دعوت به عقل و برهان می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید (بقره، ۱۱۱).

در خاتمه کلام نکته ای ذکر می‌کنیم که بسیاری از محققین در این زمینه متذکر آن شده اند، نکته این است که:

طبق مبانی دین اسلام و بیان قرآن کریم، انسان هر مقدار هم تلاش و تحقیق کند، هرگز نمی‌تواند اسراری که در عالم امکان وجود دارد را به شکل تمام و کمال درک کند، خدای متعال در این مورد می‌فرماید:

«وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است (اسراء، ۸۵).

دکتر الکسیس کارل در کتاب خود «انسان موجود ناشناخته» می‌نویسد:

«به خوبی واضح است که مساعی تمام علومی که انسان را مورد مطالعه قرار داده است، تا کنون به جایی

نرسیده، و شناسایی ما از خود هنوز نقایص زیادی دارد» (کارل، انسان موجود ناشناخته، ۱۳۸۵: ص ۵).

ویلیام جیمس در این مورد می گوید:

«علم ما همچون قطره‌ای است ولی جهل ما همچون یک دریای عظیم» (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۷۳: ج ۱، ص).

انیشن در این مورد می گوید :

«آنچه تا کنون از کتاب طبیعت خوانده‌ایم بسیار چیزها به ما آموخته است و ما به اصول زبان طبیعت آشنا شده‌ایم... ولی با این همه می‌دانیم که درباره مجلداتی که خوانده و فهمیده شده هنوز از حل و کشف کامل اسرار طبیعت دوریم» (همان، به نقل از: انیشن، خلاصه فلسفه نسبیت).

با وجود اینکه خدای متعال علم انسان را قلیل می‌داند و دانشمندان متفکر عالم که صدای شهرت نبوغشان همه عالم را گرفته است در برابر اسرار عالم اظهار نادانی می‌کنند، با این وجود جا ندارد انسان به علم قلیل خود فریفته شده و بدون درک صحیحی نسبت به اسرار عالم، دست به انکار اموری چون طولانی برخی از انسانها بزند، علاوه بر اینکه انکار این امور با وجود اخبار صحیحی که در این زمینه از اهل بیت (ع) رسیده است، چیزی جز خسران دنیا و آخرت را در پی ندارد.

نتیجه گیری

در این مقاله به بیان بخشی از عبارات کتاب «اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد» پرداخته و سپس شبهاتی که نویسنده کتاب ناصر القفاری در مورد طول عمر امام زمان (ع) مطرح کرده را پاسخ دادیم.

از مجموع مباحث فوق روشن شد که شبهات وی خلاصه در چند امر است:

- استبعاد عمر طولانی امام زمان (ع)
- انکار تحقیقات علمی دانشمندان مبنی بر امکان بقاء انسان
- تفاوت قائل شدن بین طول عمر پیامبران سابق با امام زمان (ع)

در این مقاله در چند بخش عبارات این کتاب نقل، سپس امکان عقلی، ادله نقلی و ادله علمی در این مورد نقل و شبهاتی که نویسنده در این مورد مطرح کرده بود پاسخ داده شد. حاصل تحقیق این است که ادعاهای نویسنده ناصر القفاری مخالف آیات قرآن و تحقیقات علمی است و ادعاهایی که ایشان مطرح کرده است، از جهت عقلی و نقلی قابل دفاع نیست.

۱. قرآن کریم.
۲. امینی، ابراهیم، «دادگستر جهان»، چ ۲۱، شفق، قم، ۱۳۸۰.
۳. رضوانی، علی اصغر، «موعود شناسی و پاسخ به شبهات»، چ ۶، جمکران، قم، ۱۳۸۸.
۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، «نوید امن و امان»، چ ۶، نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶.
۵. صدر، محمد باقر، «جستاری پیرامون مهدی»، چ ۴، نبأ، تهران، ۱۳۸۱.
۶. مجلسی، محمد باقر، «بحارالانوار»، چ ۳، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۷. القفاری، ناصر بن عبدالله، «اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد»، چ ۱، دارالنشر، السعودی، ۱۴۱۴ ق.
۸. کارل، الکسیس، «انسان موجود ناشناخته»، ترجمه دبیری، چ ۲، مهرافروز، تهران، ۱۳۸۵.
۹. محمدی ری شهری، محمد، «دانشنامه امام مهدی ع»، چ ۱، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۳.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، «ترجمه قرآن کریم»، چ ۲، قم، مدرسه امیرالمومنین ع، ۱۳۷۳.
۱۱. همو، «پیام امام»، چ ۱، تهران، اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۲. مجموعه نرم افزارهای کامپیوتری علوم اسلامی نور.